

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه قم

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۰



دانشگاه قم  
معاونت پژوهشی  
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

تناسخ و مقایسه آن با رجعت

نگارنده

ایرج حافظی

استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین آقای ذبیحی

استاد مشاور

حجة الاسلام والمسلمین آقای شاه نظری

۳۴۷۱۱۲

تابستان ۱۳۷۷

تکثیر از واحد انتشارات

۲۵۸۷۰

تقدیم ہے

پیشگاہ مقدس حضرت  
ولی عصر حجه ابن الحسن العسگری  
روحی و ارواح العالمین  
لقراب مقدمہ الفداء

بناام خدا

تقدیر و تشکر

**[هو لم یفطر المخلوق له یفطر الخالق]**

برخود لازم می‌دانم بدین وسیله از زحمات اساتید محترم جناب

حجة الاسلام و المسلمین آقای ذبیحی (استاد راهنما) و حجة الاسلام

والمسلمین شانظری (استاد مشاور) و همچنین استاد عزیز جناب

حجة الاسلام و المسلمین آقای عابدی که در تهیه و تنظیم این

رساله همواره از راهنمائیهای ایشان برخوردار بوده‌ام کمال

قدردانی و تشکر را بعمل آورم.

## بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده رساله :

تناسخ ، انتقال نفوس انسانی از بدنی به بدن دیگر می باشد و این انتقال میتواند به مرتبه بالاتر باشد ( تناسخ صعودی ) و یا مرتبه پائین تر ( تناسخ نزولی ) و یا انتقال عرضی .

دلایل متعددی که از سوی حکماء اسلامی ارائه شده ، بعضی مبطل جمیع اقسام تناسخ است ، مانند برهان قوه و فعل ، که خلاصه آن این است : پذیرفتن تناسخ به معنای پذیرفتن اتحاد امر بالفعلی است که نفس مفارق می باشد با چیزی که بالقوه است ( بدن دوم که تازه استعدادش تمام شده و مهبای پذیرفتن نفس است ) و این واضح البطلان است .

و اگر تناسخ در جهت نزول را قائل شویم باید حرکت ارتجاعی در وجود از اشد به انقص را بپذیریم که جدا محال است .

تناسخ صعودی را نیز نمیتوانیم پذیرا شویم چرا که معنای آن این است که نفس حیوان صامت که منطع در بدن و غیر مجرد است و ابزار ترقی به رتبه انسانیت را ندارد و بلکه غل و زنجیر شهوت و غضب بر دست و پای او بسته شده توانسته است دگرگون شده و به مرتبه بالاتر صعود کند . و اما رجعت که به معنای بازگشت نفوس مفارق به ابدان دنیوی خود پیش از قیامت می باشد ارتباطی با تناسخ باطل ندارد چرا که رجعت سخن از تعلق مجدد روح به بدن خود میکند بعد از قطع علاقه ، و باید بدانیم که ارتباط نفس با بدن عبارت است از قوت وجود و غلبه و چسبندگی او بر بدن و مرگ به معنای عدم اعمال این برتری است نه نفی آن و واضح است که هر گاه نفس ، توجهش را به بدن معطوف سازد مانعی برای حیات مجدد او در همین عالم ماده نخواهد بود و از طرف دیگر دلایل فراوان نقلی بعد از اثبات امکان رجعت وقوع آنرا حتمی می سازد .

کلید واژه
بالفعل
بمعنی بالفعل
مجرد
قوه غضب
قوه شهوت
بالقوه
غلبه
حرکت ارتجاعی
رجعت
نفس
معنی الوتر
تناسخ

# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	بخش اول: تناسخ
۶	مقدمه رساله
۸	فصل اول: اقسام تناسخ
۸	تقسیم تناسخ از جهت متعلق
۸	تناسخ صعودی و اقسام آن
۸	تناسخ نزولی و اقسام آن
۱۰	تناسخ اتصالی و انفصالی
۱۱	نمودار اقسام تناسخ
۱۲	تناسخ ملکی و نقلی
۱۲	بروز
۱۳	تمثل در قرآن
۱۴	تمثل در روایات
۱۵	گفتاری از علامه طباطبائی پیرامون تمثل
۱۵	اشکالی بر تمثل و جواب آن
۱۷	تناسخ ملکوتی
۲۰	گفتاری از علامه حسن زاده درباره تناسخ ملکوتی
۲۲	گفتار صدرالمطالین درباره تناسخ ملکوتی
۲۴	خلاصه و نتیجه فصل اول
۲۶	فصل دوم: ابطال تناسخ
۲۶	الف: برهین فیلسوفان بر ابطال مطلق تناسخ
۲۶	۱- حکیم ابوعلی سینا
۲۶	برهان اول
۲۷	برهان دوم
۲۷	توضیح خواجه طوسی بر برهان دوم ابن سینا
۳۰	شرح نموداری برهان دوم ابن سینا

تعریف و اقسام تناسخ

صفحه	عنوان
۳۲	۲- صدر المتألهین حکیم شیرازی
۳۲	برهان قوه و فعل
۳۴	توارد نفسین بر بدن واحد برهان سوم (لزوم تعطیل)
۳۵	برهان چهارم
۳۷	۳- ملا عبدالرزاق لاهیجی
۳۷	برهان اول ( تعلق نفسین به بدن واحد)
۳۸	برهان دوم (عینیت زید و عمرو)
۳۸	برهان سوم ( اتحاد بدنین )
۳۹	برهان چهارم (اقسام معقولات)
۳۹	برهان پنجم ( تساوی ابدان هالکه و حادثه)
۳۹	برهان ششم ( اتحاد قوه و فعل)
۴۱	ب: ابطال تناسخ نزولی
۴۱	برهان اول
۴۳	برهان دوم
۴۴	برهان سوم
۴۶	ج: ابطال تناسخ صعودی
۴۹	مروری فشرده و مقایسه ای بر براهین مبطل تناسخ
۴۸	شرح نموداری برهان صدر المتألهین بر ابطال تناسخ نزولی
۵۴	<b>فصل سوم: نظریه اهل تناسخ</b>
۵۴	برهان عقلی قائلین به تناسخ
۵۵	براهین نقلی قائلین به تناسخ
۵۵	مسخ در قرآن و نظریه تناسخ
۵۶	بررسی برهان قائلین به تناسخ
۶۰	برهان شیخ اشراق بر جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء بودن نفس ناطقه که مبطل اصل موضوعه برهان عقلی تناسخیه است

## فصل چهارم - اشکالات اهل تناسخ

۶۲	اشکال اول و پاسخ آن
۶۳	اشکال دوم و پاسخ آن
۶۴	اشکال سوم و پاسخ آن
۶۷	اشکال چهارم و پاسخ آن
۶۹	اشکال پنجم و پاسخ آن
۷۱	تمثیلی در نفی تناسخ "اتسان و کشتی"

## بخش دوم: رجعت

طرح مسئله

## فصل اول: مفهوم رجعت و امکان آن از دیدگاه عقل

۷۳	مفهوم رجعت
۷۳	چه کسانی بازگشت میکنند
۷۵	امکان رجعت از دیدگاه عقل
۷۵	فصل دوم: رجعت در امت های پیشین
۷۶	زنده شدن گروهی از بنی اسرائیل
۷۹	زنده شدن مقتول بنی اسرائیل
۸۲	مرگ چند هزار نفر و حیات دوباره آنان
۸۲	زنده شدن پس از صد سال مرگ
۸۳	زنده شدن مردگان به دست عیسی علیه السلام
۸۴	قرآن و رجعت آینده
۸۴	روزی که از میان هر امت گروهی را محشور می کنیم
۸۹	بازگشت هلاک شدگان
۸۹	مرگ و حیات دوگانه
۹۰	درد آشکار
۹۰	خداوند پیامبرانش را یاری میکند
۹۱	پیامبران متعهد شده اند به یاری پیامبر آخر الزمان در آخر الزمان



صفحه	عنوان
۹۲	ظهور فرماندهی علی علیه السلام بر مؤمنین (در رجعت)
۹۲	تمام اهل کتاب به عیسی مسیح علیه السلام ایمان می آورند (در رجعت)
۹۳	گفتگوی مؤمن طاق و ابو حنیفه
۹۴	<b>فصل سوم: رجعت از دیدگاه روایات</b>
۹۴	کلام علامه مجلسی در باب رجعت
۹۵	مشابهت علی علیه السلام و ابوب نبی علیه السلام
۹۵	هر چه برامم گذشته، گذشته برامت آخر الزمان خواهد آمد
۹۵	تلاوت قرآن توسط سر بریده حسین علیه السلام (بهترین دلیل بر رجعت)
۹۶	اخبار سیدالشهداء بر رجعت قبل از شهادت
۹۸	چکیده مطالب

### **بخش سوم: رجعت در محک تناسخ**

۱۰۰	وجوه تفاوت و شباهت های بین تناسخ و رجعت
۱۰۱	رجعت و بازگشت از فعلیت به قوه
۱۰۴	رجعت و توارد نفسین بر بدن واحد
۱۰۵	سایر محذورات وارده بر تناسخ و مقایسه آن با رجعت
۱۰۶	نتایج قول به تناسخ و رجعت

## مقدمه:

تناسخ از جمله مسائلی است که در تاریخ اندیشه بشر ریشه داشته و بسیاری از فیلسوفان دوران باستان نیز آنرا مورد بررسی قرار داده اند، سابقه این مسئله و گسترش آن در میان اهل اندیشه به اندازه ای است که هرگز نمی توان به آسانی آنرا نادیده انگاشت. اعتقاد به اصل تناسخ، یکتوخت و یکسان نبوده و هر گروه از کسانی که به این اصل باور داشته اند، به گونه ای خاص آنرا مورد تفسیر و توجیه قرار داده اند.

درباره تناسخ و نفوذ آن در درون مذاهب جمله ای برسر زبانهاست که بسیار جالب توجه می باشد، گفته اند که هیچ مذهب و طریقه ای به منصفه ظهور نرسیده مگر اینکه جای پای تناسخ در آن قابل مشاهده می باشد.

در ادیان ابتدائی چینی توتیمسم، فتیشسیم، تاپوپرمستی، این اعتقاد بدین شکل ظهور می نماید که انسان هنگامی که می میرد روحش باقی است و بعضی از این ارواح پس از مرگ نشان به جنگلها یا به دریاها می روند و در آنجا به روح یکی از فوایا پدیده های طبیعت تبدیل می شوند بنابر این طوفان، موج، و یا آب و باران هر یک دارای روحی می شوند که از انسانی بوده و پس از مرگ جسم، تبدیل به پدیده ای طبیعی شده است و این بدین معناست که هر درخت، هر جنگل، هر حیوان و هر چیزی دارای روح است، در مذهب هندو نیز مسئله ای وجود دارد بنام کارما، کارما گردونه تناسخ است، شخصی در زندگی پنجاه، شصت ساله اش به مراحل می رسد، تکاملی می یابد یا فساد می کند و چون در گردونه بعدی دوباره زندگی را آغاز می کند آثار زندگی قبلی در این تولد دوباره به صورت خوشبخت یا بدبخت بودن، پست یا بلند بودن، آقا یا نوکر بودن، برده یا

خواجه بودن متجلی میشود ، اگر در زندگی قبلی به تکاملی دست یافته نه بصورت برده و غلام ، بلکه به صورت آقا و عزیز متولد می شود و اگر در زندگیهای گذشته ، فساد کار بوده به صورت برده ای ذلیل متولد می شود و در اینجا کیفرش را می بیند، بهشت و دوزخ هندو همیشه کارمای بعدی است ، یعنی گردونه بعدی و حیات بعدی ، پاداش و کیفر زندگی قبلی را می دهد.

بودا در مورد این گردنه بی متها می گوید : در سرگذشت رفتن و بازگشتن به این حیات ، اشکهایی را که انسانی ریخته ، اگر جمع کنند ، از آب همه اقیانوسهای روی زمین بیشتر است . و هنگامی که به منابع دینی رجوع می کنیم به نحوی دیگر جای پای تناسخ دیده می شود ، موضوع تجسم اعمال صورت ملکوتی و مثالی و موضوعی که این رساله در صدد رسیدگی به آن می باشد یعنی رجعت و بازگشت دوباره روح آدمی به دنیای مادی و ادامه حیات آن و موضوع معاد که مشترک همه ادیان الهی است همه از جمله ردهای پای تناسخ و از موارد مشابهات آن می باشند.

امید است بتوان با روشن نمودن معنای دقیق آن و متمایز نمودن اقسام آن به برگرفتن خیار توهم تناسخ از چهره آئین مقدس اسلام نائل شویم ، بیان این نکته ضروری است که تناسخ به معنای خاص آن نتایج و لوازمی را به دنبال دارد که پذیرفتن آن مستلزم نادیده گرفتن بعضی از مسلمات دینی و قواعد عقلی است نظیر انکار معاد و بازگشت انسان بسوی خدا چرا که قول به تناسخ با انتقال نفوس به ابدان جسمانی در همین عالم طبیعت درصدد اعطاء پاداش و انجام مجازات آنان برمی آید ، لازمه دیگر اینکه روح را قائم به نفس ندانیم و بگوئیم در بقاء محتاج به بدن می باشد فلذا همیشه با یک بدن همراه است اگر بدن او متلاشی شد ، به بدنی دیگر تعلق خواهد گرفت و اگر او هم تباه شد ، به بدنی دیگر ، و این مستلزم تکرار است .

از دیگر لوازم قول به تناسخ این است که انسان را تنها موجود عالم ملک می دانند و آنچه را که می بیند یا انسان است غیر ممسوخ و یا انسان است و ممسوخ.

بخش اول

تناسخ

## فصل اول: تعریف و اقسام تناسخ

تناسخ را اقسام مختلفی است بعضی از آنها صحیح و محقق اند و برخی باطل و نادرست اند. در این فصل موارد آنرا بیان و توضیح می دهیم که کدامیک مورد قبول و کدامین باطل اند و بدون تردید، این مطلبی است بسیار مهم چرا که تشخیص و تمیز میان صحیح و سقیم اقسام کاری است بس مشکل بگونه ای که بعضی بزرگان فرموده اند که تشخیص و تمیز میان تناسخ صحیح و باطل آسان تر از اقامه برهان بر بطلان آن نیست در اینجا برای سهولت امر و تبیین اقسام تناسخ، مبحث را در سه مرحله ادامه می دهیم

### الف: از جهت متعلق، چهار نوع تناسخ قابل تصور است:

۱- نسخ: انتقال روح انسانی پس از مفارقت از بدن به بدن انسانی دیگر در همین نشاء می باشد، مانند اینکه وقتی انسانی می میرد روح او به یک جنین آماده پذیرش روح تعلق بگیرد.

۲- مسخ: انتقال روح انسانی پس از مفارقت از بدن در همین نشاء به بدن یک حیوان غیر انسان می باشد مانند اینکه وقتی انسانی بمیرد و روح او به جنین یک مگ و ... که آماده پذیرش روح است تعلق پذیرد

۳- فسخ: انتقال روح انسانی به یک جسم نباتی در همین نشاء دنیوی است مانند تعلق روح مفارق از بدن انسانی به نهال یک گیاه

۴- رسخ: انتقال روح انسانی به یک جماد است در همین نشاء دنیوی مانند تعلق روح مفارق انسانی در همین نشاء به یک سنگ

ب: هر یک از اقسام فوق از جهت سیر انتقال روح به دو قسم صعودی و نزولی قابل انقسام اند بدین ترتیب هشت قسم تناسخ متصور است.

۱- نسخ نزولی و صعودی: بدین گونه شکل می گیرد که نفس انسان کامل پس از مفارقت از بدن به انسان ناقص تعلق بگیرد و اگر نفس مفارق ناقص باشد ولی بعد از فراق آشیانه خود به پیکر انسانی کامل وارد شود در اینحال تناسخ صعودی رخ داده.

۶۳- در مورد مسخ نیز تقسیم بندی فراتر قابل اجرا است. چنانچه نفس انسانی پس از مفارقت از بدن به حیوانی غیر انسان تعلق یافت سیر اورتزولی است و اگر نفس انسانی قبل از تعلق به بدن انسان ابتدا بر پیکر حیوانی فرود آمده و سپس بسوی بدن انسانی گه آناده پذیرش روح است پرواز نمود در اینحال صعود کرده است.

۶۴- فسخ نیز که داد و مستد روحانی آدمیان و گیاهان است میتواند بر منهج صعود تیزتر گیرد اگر دروازه روح انسانی از نبات شروع و به انسان ختم شود و چنانچه روح انسانی پیکر بی جان یک نبات را بعد از فراق از بدن خود منزلگاه خود سازد راه نقص و نزول را پیش گرفته

۶۵- سیر صعودی رسخ با دمیدن نفس انسانی به جماد و با فراق آن و پیوستن به پیکره انسانی رخ می دهد و با سنگ و خاک شدن یک انسان نفرین شده و به عبارتی با تعلق گرفتن روح او بعد از فناى بدن به یک جماد سیر نزولی بوقوع پیوسته است.

حاجی سبزواری در مورد این تقسیمات چنین فرموده:

\* نَسَخٌ وَمَسَخٌ، رَسَخٌ، فَسَخٌ قَسَمًا      اِنْسًا وَحَيَوَانًا، جَمَادًا وَنَمًا \*<sup>۱</sup>

ترجمه: انسان و حیوان و جماد و نبات را نسخ و مسخ و رسخ و فسخ تقسیم می کند منظور این است که نسخ مربوط به انسان می باشد تبادل نفوس انسانی بر پیکرهای انسانی است و مسخ مربوط به حیوان است تبادل ارواح انسانی و پیکرهای حیوانی است و رسخ مربوط به جمادات و داد و مستد انسان و جماد و فسخ تناسخ گیاهی را بیان می کند و در ارتباط، تقسیم بندی دوم چنی سروده:

\* لِلكل انس باب الابواب وذا      نزول الصعود عكس ذاك \*<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> شرح منظومه - بخش حکمت جاب سنگی ص ۳۱۲

<sup>۲</sup> شرح منظومه بخش حکمت جاب سنگی ص ۳۱۸

معنای کلام فوق این است که پیکر انسان باب الابواب و دروازه حیات همه پیکرهای عنصری بشمار می آید در شعب نزولی حقیقت نفس ناطقه در مراحل نزول و هیوط خود نخستین بار در قالب پیکر آدمی فرود آمده و با اکتساب هیئت های گوناگون و بر حسب مناسبتهای متعدد در پیکر سایر حیوانات و نباتات انتقال می یابد به عبارت دیگر نفس ناطقه پس از نزول و پیوستن به پیکر انسانی به کسب هیئت های گوناگون پرداخته و با کسب هیئتهای مختلف به ابدانی متناسب با این هیئت ها انتقال می یابد.

این عقیده بر این است که نفس ناطقه اگر نتواند خود را به مقام کمال رساند و از مرحله نقص خارج کند ناچار در پیکر یک حیوان که با خلق و خوی وی سنخیت دارد انتقال می یابد ولی اگر همین نفس ناطقه خود را به ذروه کمال برساند از این جهان رها گشته و به منبع نور واصل می گردد.

تا کنون یافتیم که هشت گونه تناسخ قابل تصور است .

ج : مرحله سوم تقسیمات : به این شکل که هر یک از تقسیمات هشت گانه بالا می توانند بصورت اتصال باشند یا انفصال بعبارت دیگر نفس انسانی یا چنین است که انتقال به اجساد دیگر را بر سیل اتصال و در یک ماده واحد انجام می دهد یا بر سیل انفصال بدین ترتیب شانزده قسم تناسخ قابل تصور است . که در شکل مقابل بصورت نموداری نشان داده شده است .